

## سلطان عبدالحمید دوم - اعلان جنگ سرستان و مونتنگر و شکست سر بها

نیز فریب فرامین دولت عثمانی را نخورده به عملیات خود ادامه دادند.

در ۷ مه ۱۸۷۶ متعصبین مسلمان قونسولهای فرانسه و آلمان را در سالونیک بقتل رسانیدند. دولت آلمان به دول فرانسه و انگلستان و ایتالیا پیشنهاد نمود کشتیهای جنگی این دول برای رفع غائله بآبهای عثمانی فرستاده شود و در نتیجه اصرار گورچاکوف دول آلمان و اثریش قرار گذاردند یادداشتی بدولت عثمانی فرستاده و اصلاحاتی را برای شورشیان درخواست کنند. دولت فرانسه و دولت ایتالیا فوراً مفاد این یادداشت را قبول کردند ولی دیسرائیلی که جانشین گلاستون شده بود با ارسال یادداشت مخالفت کرد. با وجود مخالفت انگلستان دول اروپا تصمیم گرفتند یادداشت خود را در ۳۰ مه بدولت عثمانی تسلیم کنند اما در نتیجه اغتشاشاتی که در دربار عثمانی رخ داد ارسال یادداشت بتأخیر افتاد چه در اثر کودتائی که در قسطنطنیه بوسیله مدحت پاشا<sup>(۱)</sup> صورت گرفت شب قبل از سی ام مه سلطان عبدالعزیز از سلطنت خلع و سلطان مراد پنجم بجانشینی او انتخاب گردید. سلطنت سلطان جدید نیز دیری نپائید و در ۳۱ اوت سلطان عبدالحمید دوم جانشین او گردید با سلطنت سلطان جدید قتل عام اهالی بلغارستان از نو شروع شده و در نتیجه سختگیریهای زیادی که نسبت بمسیحیان بعمل آمد اهالی سرستان و مونتنگر و علناً بر علیه دولت عثمانی وارد در جنگ شدند. برخلاف انتظار عموم دولت عثمانی ارتش سرستان را شکست کامل داده و در نتیجه قسمت مهم سرستان و بسنی و هرزه گوین مورد قتل و غارت و چپاول ارتش ترك واقع شد و نثر کهها بقدری در اینکار زیاده روی کردند که حتی دولت انگلستان نتوانست درخواست میانجیگری سرستان را که در ۲۸ اوت بدول اروپا ارسال شد ه بود رد کند. دول اروپا در مقابل تقاضای سر بها از دولت عثمانی شرایط صلح را پرسش کردند در مقابل تقاضای سنگین دولت عثمانی و تهدید روسها دولت انگلستان سعی نمود ترك

(۱) - مدحت پاشا (۱۸۸۴-۱۸۲۲) سیاستمدار عثمانی که در ظاهر طرفدار افکار اروپائی و اصلاحات بود بتحریریک او سلطان عبدالعزیز و بعد از او سلطان مراد پنجم از سلطنت خلع شدند. در زمان سلطنت سلطان عبدالحمید دوم به شرکت در قتل سلطان عبدالعزیز متهم و برستان تبعید شد.

## موافقت اتریش و روسیه - تقاضای ایگناتیف

مخاصمه بین دولت عثمانی و شورشیان برقرار سازد ولی هیچکدام از طرفین راضی باین امر نشدند. دولت عثمانی برای انحراف توجه اروپائیان در ۱۲ اکتبر ۱۸۷۶ فرمانی منتشر نمود و بتمام ملل تابعه وعده برقراری آزادی و حکومت مشروطه را داد چون این جریان و وعده های تر کها بیشتر به تمسخر شباهت داشت در ۳۰ اکتبر ایگناتیف<sup>(۱)</sup> نماینده روسیه در دربار عثمانی بسلطان امر داد آزار و اذیت مسیحیان را متوقف سازد .

قبل از اقدام ایگناتیف تزار روسیه و گورچاکوف موافقت اتریش را تحصیل کرده بودند. در نتیجه ملاقاتی که در ۸ ژوئیه با فرانسوا ژوزف بعمل آوردند دولتین موافقت نمودند که بسارابی بر روسیه قسمتی از هرزه گوین و بسنی به اتریش داده شود و خاک عثمانی در اروپا بین ملل رومانی و بلغارستان و یونان تقسیم شده و قسطنطنیه شهر آزاد باقی بماند. دولت آلمان نیز که اتریش و روسیه را تشویق بمداخله در امور بالکان مینمود گرچه در ظاهر اظهار بی اطلاعی میکرد ولی در باطن تزار روسیه را از بیطرفی خود مطمئن میساخت .

تزار روسیه بعد از اوامری که به ایگناتیف داد در ۲ نوامبر ۱۸۷۶ به نماینده انگلستان در روسیه اعلام نمود که دیگر تاب تحمل زیاده رویهای تر کها را ندارد . دولت انگلستان هم که راه هندوستان و منافع خود را در مدیترانه در خطر میدید به جنب و جوش افتاد تا شاید قضیه را از راه کنفرانس حل کند و به کشتیهای جنگی خود امر داد بطرف آبهای عثمانی رهسپار شوند و در نتیجه در قسطنطنیه کنفرانسی از دول اروپا برای رسیدگی بوضع مسیحیان و اقدامات دولت عثمانی تشکیل گردید . کنفرانس

---

(۱) Nicolas Pavlovitch Ignatiev (۱۹۰۸-۱۸۳۲) سردار و سیاستمدار

روسی در جنگهای کریمه رشادت زیادی بخرج داد . نماینده روسیه در چین در ۱۸۶۰- بعداً رئیس اداره امور سیاسی آسیا گردید. در ۱۸۶۴ سفیر روسیه در قسطنطنیه گردید و در سلطنت عبدالعزیز نفوذ زیادی پیدا کرد . باعث قطع روابط روسیه و عثمانی در ۱۸۷۷ گردید. از ۱۸۸۱ تا ۱۸۸۲ وزارت داخله را بر عهده داشت .

## کنفرانس قسطنطنیه - یادداشت دول اروپا و روسیه - اعلان جنگ

قسطنطنیه بسططان عبدالحمید پیش نهاد ترك مخصوصه نموده و دولت عثمانی را دعوت کرد بمثل مسیحی بالکان استقلال محلی بدهد . سلطان عثمانی مانند همیشه اعلام داشت در نظر دارد آزادیهای خیلی بیشتری به اتباع خود بدهد و ترتیب اثری به تصمیم کنفرانس نداد .

در اوایل ماه مارس ۱۸۷۷ ژنرال آیگناتیف از طرف تزار روسیه مأمور گردید بدر بارهای اروپا مسافرت بنماید تا بدولت روسیه اختیار داده شود تصمیمات کنفرانس قسطنطنیه را اجرا کند. ژنرال روسی در وین و برلن و پاریس و رم در انجام مأموریت خود موفق شد ولی در لندن با مخالفت دولت انگلستان مواجه گردید . با وجود این در ۳۱ مارس بدولت عثمانی از طرف دولت روسیه - آلمان - اتریش - فرانسه - ایتالیا - انگلستان یادداشتی بدولت عثمانی برای اجرای اصلاحات لازم و خلع سلاح ارتشی که بر علیه روسیه مجتمع شده بود ارسال گردید . دولت روسیه ضمناً در یادداشت جداگانه دولت عثمانی را مورد تهدید بیشتری قرار داد . دولت عثمانی در ۳ آوریل یادداشت دول اروپا و روسیه را با اطلاع نمایندگان که بعنوان مجلس مجتمع شده بودند رسانید و این مجلس مفاد آنها را غیر قابل قبول دانست . در نتیجه رد این یادداشتها دولت روسیه دیگر تأمل را جایز ندانسته در ۱۶ آوریل با رومانی قرار دادی منعقد نمود و موافقت این دولت را برای عبور قوای روسی از خاک آن جلب و در ۲۴ آوریل اعلان جنگ بر علیه عثمانی را منتشر کرد .

دولت انگلستان چون نمیتوانست تنها در مقابل موافقت ضمنی دول اروپا در برابر روسیه از دولت عثمانی حمایت کند و در داخل انگلستان نیز عده مخالف عملیات ظالمانه ترکها بودند بوسایل غیر مستقیم از دولت عثمانی پشتیبانی نموده و آزادی عمل خود را حفظ میکرد بیسمارک هم که مایل بود دول اروپا با یکدیگر منازعه داشته باشند تا او از آن میان استفاده ببرد با وجود آنکه رسماً اظهار مینمود در قضایای دولت عثمانی آلمان هیچگونه نظر موافق یا مخالفتی ندارد روسها را تشویق بجهتک نموده و نظر

## فتح روسیه - ترك مخاصمه

اتریشها را نیز بطرف بالکان سوق میداد و از این جهت در مدت جنگهای ۱۸۷۷ چندین مرتبه بسته به فتح و غلبه طرفین سیاست خود را تغییر میدهد .

با تبلیغاتی که طرفین نمودند جنگ بین روسیه و عثمانی جنبه نژادی و مذهبی بخود گرفته اسلاوها بر ضد مسلمانان قیام مینمودند در بدو امر در بالکان و در آسیا پیشروی سریعی نصیب روسها گردید ولی ناگهان بدون آنکه کسی انتظار داشته باشد ارتش عثمانی پایداری سختی کرده و روسها را عقب زدند بطوریکه مدتی بنظر میآمد روسها نتوانند غلبه کنند . تا ماه نوامبر ۱۸۷۷ ارتش عثمانی پایداری خود در مقابل سپاهیان روس ادامه داد تا اینکه از ۱۲ تا ۱۸ نوامبر ارتش روسیه با حمله های پی در پی خود قشون عثمانی را شکست کامل داد در اروپا گراندوک نیکلا (۱) با طرف قسطنطنیه رسید و در آسیا ژنرال ملیکف (۲) ارض روم و طرابوزان را بتصرف آورد با نزدیک شدن ارتش روسیه به قسطنطنیه دولت انگلستان بناو گان خود امر داد بیغازها نزدیک شوند و باینجهت دولت روسیه جرئت نکرد قسطنطنیه را تصرف کند و چون دول اروپا اقدام عملی دیگری هم نمی نمودند دولت عثمانی ناچار در ۲۴ ژانویه ۱۸۷۸ پیشنهاد ترك مخاصمه را قبول نمود و در ۳۱ ژانویه آنرا امضاء کرد .

بعد از امضای ترك مخاصمه دول انگلستان و اتریش و آلمان که جز حفظ منافع خود طالب چیز دیگری نبودند بدرخواست کمک سلطان عثمانی جوابی نداده و بیادداشت روسیه هم وقتی نگذارند و در مقابل نزدیک شدن ارتش روسیه به سان استفانو (۳)

---

(۱) Grand-duc Nicolas - Nicolaëvitch (۱۸۶۱-۱۸۳۱) پسر سوم

نیکلای اول - در اوایل جنگ ۱۸۷۷ فرمانده ارتش روسیه در قسمت اروپا بود .

(۲) Michael Tariélovitch Tainov Comte Loris Mélikof

(۱۸۲۶-۱۸۸۸) سردار روسی - در جنگهای کریمه و قفقاز شرکت کرد عملیات نظامی را در جنگ ۱۸۷۷ بر ضد دولت عثمانی در آسیا تعقیب نمود .

San Stéfano (۳)

ناوگان انگلستان به داردانل نزدیک تر گردید . سلطان عثمانی از ترس اقدامات بعدی روسها از انگلیسها تقاضا نمود تظاهرات زیاده‌تری ننمایند و از روی اجبار در ۳ مارس ۱۸۷۸ پیمان سان استفانو را با دولت روسیه امضا کرد . دولت انگلستان که موافق با امتیازات روسیه نبود از احضار جهازات خود از داردانل خود داری نمود . دولت اتریش و مجارستان نیز که مفاد پیمان استفانو را زیاده‌تر از آن چیزی میدید که تزار روسیه تقبل کرده بود بنفع اتریش انجام دهد ارتش خود را مجهز نگاهداشته و بتحریر انگلستان تشکیل کنفرانسی را برای حل قضیه و تصویب تغییراتی که در نتیجه جنگ با دولت عثمانی پیدا میشد پیشنهاد نمود .

بموجب پیمان سان استفانو قارص و باطوم بر روسیه داده میشد- دو بر و جاب تصرف روسیه در میا مدتاً بتواند آنرا با بسارابی که در تصرف رومانی بود معاوضه کند. دولت وسیع و مستقل بلغارستان تشکیل شده و یک کمیسیون روسی با ۵۰۰۰۰۰ سرباز در آنجا اقامت نموده و مأمور تشکیلات دولت جدید میگردد. حمایت تمام عیسویان ارتودکسی بر روسیه واگذار میشد . مونتنگرو وسعت پیدا کرده و دولت معتبری را تشکیل میداد سربستان کاملاً مستقل گشته و بسنی و هرزه گوین استقلال اداری پیدا میکردند .

بطوریکه ملاحظه میشود بموجب پیمان سان استفانو روسیه با آرزوهای دیرینه خود فوق العاده نزدیک شده و نژاد اسلاو اهمیت بسزائی پیدا نموده دولت عثمانی تقریباً از تمام متصرفات اروپائی خود محروم میشد اما دو دولت مخالف کامل نقشه روسیه بودند یکی انگلستان دیگر اتریش و مجارستان . در انگلستان بعد از اینکه دیسرایلی ملقب به لرد بیسکونسفیلد (۱) گردید در ژانویه ۱۸۷۸ در مجلس انگلستان اظهار نمود که مسائل سیاسی بالکان را نباید فقط از نظر عیسویان آنجا تحت مطالعه قرار داد بلکه مسئله بالکان مربوط به حیات امپراطوری انگلستان و اتریش میشود . در ۱۳ مارس نیز وزارت خارجه انگلستان اعلام کرد در صورتی با تشکیل کنگره موافقت خواهد کرد که این

## مخالفت انگلستان و اتریش - عذر تراشی آلمان

کنگره آزادانه بتواند تمام موضوع‌های مربوط به پیمان‌سان استفانو را مورد مطالعه قرار دهد. دولت روسیه برای مقاومت در مقابل ادعاهای انگلستان ژنرال ایگناتیف را دو مرتبه به وین فرستاد تا با واگذاری بسنی و هرزه گوین موافقت اتریش را جلب کند ولی تقاضاهای اتریش بقدری زیاد بود که دولت روسیه نتوانست بآن رضایت دهد در نتیجه دولت انگلستان که ملتفت عدم موفقیت مذاکرات وین شده بود در پافشاری خود سخت‌تر گردید مخصوصاً که در اثر تغییر کابینه فرانسه وزیر خارجه جدید این دولت وادینگتون (۱) بیشتر بطرف انگلستان تمایل داشت ضمناً دولت انگلستان پادگان جبل الطارق را اضافه نموده و با احضار سپاهیان هندی رویه مخاصمت آمیزی را در پیش گرفت و با تعیین لرد سالیسبوری (۲) بوزارت خارجه در اول آوریل ۱۸۷۸ تقاضاهای انگلستان بدول اروپا اعلام گردید.

دولت روسیه که در جنگ با عثمانی فاتح شده بود در مقابل مقاومت انگلستان و مخالفت اتریش متحیر مانده بود آیا استقامت نموده و حاضر بمقابله با دول اروپا شود یا اینک راه تسلیم را پیش گیرد. اگر دولت آلمان که در نتیجه کمکهای روسیه توانسته بود توسعه زیادی پیدا کند با او همراهی میکرد باز تزار روسیه امیدی بموفقیت داشت ولی بیسمارک در مقابل تقاضای تزار روسیه جواب صریحی نداده و متعذر گردید که مراقبت فرانسه مجالی برای او باقی نمی‌گذارد. علاوه بر آن بیسمارک بیمیل نبود بین

(۱) William-Henry Waddington (۱۸۲۶-۸۹۴) باستان شناس و

سیاستمدار فرانسوی - اصلاً انگلیسی بود در ۱۸۷۲ نمایندگی مجلس فرانسه انتخاب شد در ۱۸۷۶ نمایندگی سنا انتخاب گردید - در ۱۸۷۶ وزیر فرهنگ در ۱۸۷۷ وزیر خارجه و در ۱۸۷۹ نخست وزیر شد - نماینده فرانسه در کنگره برلن - تألیفات زیادی راجع به باستان شناسی دارد

(۲) Robert-Arthur-Talbot-gascoyne-cecil, marquis de Salisbury

(۱۸۳۰-۱۹۰۳) سیاستمدار انگلیسی در ۱۸۵۳ نمایندگی مجلس انتخاب شد - جزو دسته محافظه کاران گردید - در ۱۸۶۸ عضو مجلس لردها شد - در ۱۸۷۸ وزیر خارجه انگلستان شد - بعد از فوت دیسرایلی سردسته محافظه کاران گردید و چندین مرتبه نخست وزیر انگلستان شد .

## کنگره برلن

انگلستان و روسیه تزاری در گیرد و با ضعیف شدن طرفین دولت آلمان بتواند سیادت خود را بر اروپا تحمیل کند .

دولت انگلستان با تمام مخالفتی که با پیمان سان استفانو داشت منظور بیسمارک را ملتفت شد . دولت روسیه هم که نمی توانست یکه و تنها در مقابل انگلستان و اتریش پایداری کند از در مسالمت در آمد و از دولت انگلستان تقاضا نمود تغییراتی که این دولت لازم میداند در پیمان سان استفانو بعمل آید معین کند . با جدیت کنت - شورالوف<sup>(۱)</sup> سفیر کبیر روسیه در لندن دولت انگلستان شرایط خود را مخفیانه با اطلاع روسیه رسانید . ضمناً در ۴ ژوئن ۱۸۷۸ دولت انگلستان مخفیانه پیمانی با دولت عثمانی منعقد نمود که بابت بهای پشتیبانی از دولت عثمانی و وعده همراهی با این دولت در کنگره اجازه اشغال جزیره قبرس بدولت انگلستان داده میشد . بدولت اتریش و مجارستان نیز وعده داده شد در کنگره در مورد اشغال بسنی و هرزه گوین توسط ارتش اتریش مساعدت شود .

بعد از این جریانات در سوم ژوئن ۱۸۷۸ نامه های دعوت کنگره برلن از طرف بیسمارک صدر اعظم آلمان برای دول ذینفع فرستاده شد . در ۱۳ ژوئن کنگره برلن بریاست پرنس دو بیسمارک مرکب از نمایندگان دول آلمان - انگلستان - روسیه - اتریش و مجارستان - فرانسه - ایتالیا - عثمانی افتتاح گردید . بدون اینکه وارد جریان مذاکرات کنگره و مشاجراتی که بین نمایندگان انگلستان و روسیه و عثمانی پیش آمد وارد شویم نتیجه پیمان برلن را که در ۱۳ ژوئیه ۱۸۷۸ منتشر گردید بطور خلاصه ذکر میکنیم بموجب پیمان برلن مونتنگرو از ثلث فتوحات خود محروم و ممنوع از داشتن سفاین جنگی گردید .

---

(۱) Pierre Andreevitch, Schouvalov (۱۸۸۹-۱۸۲۷) سیاستمدار

روسی در ۱۸۶۶ رئیس شهر بانی شد - در ۱۸۷۳ نمایندگی روسیه بلند فرستاده شد - مذاکرات انگلستان و روسیه را برای تشکیل کنگره برلن تسهیل نمود - یکی از نمایندگان روسیه در کنگره برلن :

## تصمیمات کنفره

هرزه گوین تحت اشغال اتریش در آمده و با توسعه از بقایای فتوحات مونتنگرو و زبسنی دور گردید .

سربستان کوچک شده و از الحاق بسنی محروم شد .

بلغارستان به سه قسمت تقسیم شد قسمتی که شامل صوفیه بود به بلغارها داده شد .  
قسمتهای جنوبی بدولت عثمانی و اگذار گردید مقدونیه نیز بدولت عثمانی پس داده شد .

دولت اتریش و مجارستان علاوه بر اشغال بسنی و هرزه گوین شاهراهای مقدونیه را تحت نظر خود در آورد و نظارت دریائی مونتنگرو نیز بعهدده این دولت اگذار شد .

حمایت ارامنه عثمانی بدولت انگلستان و اگذار گردید تا روسیه روسیه دیگر تواند از این بابت در امور عثمانی مداخله کند .

اشغال جزیره قبرس توسط انگلستان تأیید گردید .

دولت رومانی در عوض و اگذار بیسارابی بر روسیه دو بروجا را متصرف شد .  
بتقاضای دولت یونان کسی گوش نداد و جز وعده و وعید نصیبی پیدا نکرد .  
آزادی بغازها در زمان صلح و بسته شدن آنها در موقع جنگ دو مرتبه تأیید گردید و روسیه از مستحکم نمودن بندر باتوم که بتصرف او در آمده بود صرف نظر کرد .  
دولت عثمانی متعهد گردید اصل مساوات را بین اتباع خود برقرار سازد و دول اروپا متعهد شدند برای حفظ حقوق ارامنه اساس اداری برای آنها بریزند .

آزادی کشتی رانی در روی رود دانوب دو مرتبه تأیید و کمیونی برای اینکار تعیین شد .

پیمان برلن که در نظر داشت تمام دول را راضی نگاه دارد در حقیقت باعث ناراضی نمودن اغلب دول اروپا گردید زیرا هیچکدام از آنها بمقصود خود نرسیده و دین یا زود منتظر فرصت میشدند تا با آرزوهای خود رسیده یا انتقام خود را بازستانند .



## نتایج کنگره برلن

دولت عثمانی این مرد بیمار بیشتر از همه مورد تجزیه واقع شده بود دولت روسیه انگلستان دولت اتریش و مجارستان دول بالکان هر کدام سهمی از این طعمه بدست آوردند و نظر خود را متوجه قسمتهای دیگر میکردند تنها دولتی که برای خود سهمی قائل نشد دولت آلمان بود که از این امر استفاده نموده خود را تنها حامی او قلمداد نمود و باینوسیله سعی میکند دولت عثمانی را تحت نفوذ خود در آورد.

ملل بالکان هیچکدام راضی نبودند سرستان و مونتننگرو و از نتیجه فتوحات خود محروم شده بودند. بلغارستان به ثلث آنچه که پیمان سان استفانو پیش بینی نموده بود تقلیل پیدا کرد. دولت رومانی که متحد روسیه بود مجبور بود گذاری بسارابی گردید اهالی بسنی و هرزه گوین بمقصود خود نرسیدند. یونانیها جز وعده چیزی دریافت نکردند عیسویانی که در کشور عثمانی باقیمانده بودند باز دچار وعدههای اصلاح دول عثمانی شدند و عملاً در وضعیتشان بهبودی حاصل نشد.

دولت روسیه که با مخارج گزافی جنگ با عثمانی را متحمل گردید و بواسطه دخالت دول دیگر اروپا از ثمره فتوحات خود محروم شده بود حس کینه و نفرت او نسبت بانگلیسها تقویت شده و منتظر تلافی بود نسبت با اتریش و مجارستان نیز نظر خوبی نمیتوانست داشته باشد زیرا این دولت را همواره خار راه خود برای نفوذ در ملل بالکان میدید بدینجهت تاهیتواند برای متلاشی ساختن این امپراطوری تبلیغات اتحاد اسلاو را در این کشور توسعه میدهد. نسبت با آلمان هم از رفتار بیسمارک و حق ناشناسی او که در موقع لازم از کمک بروسیه دریغ کرده بود کله پیدا کرد.

دولت انگلستان که بنظر میآمد بدون زحمت موفقیت زیادی کسب کرده است نیز راضی بنظر نمیرسید زیرا نتیجه مداخله انگلستان در تقسیم عثمانی باعث شده بود که اعتبار این دولت در قسطنطنیه و اطمینانی که ترکها بانگلیسها داشتند از بین رفت. از طرف دیگر از عملیات روسیه برای انتقام از انگلستان و توسعه اتریش در بالکان نیز در تشویش بود.

دولت اتریش و مجارستان که از اواخر سال ۱۸۷۸ بسنی و هرزه گوین را اشغال

## نتایج کنگره برلن

کرد و در نتیجه این عمل که برخلاف میل اهالی انجام میگرفت مشکلی بر مشکلات سابقش اضافه نموده و علاوه بر آن گرفتار اعتراض مجارها که با توسعه ملل اسلاو در امپراطوری اتریش مخالف بودند گردید . تبلیغات اتحاد اسلاو روسیه و دشمنی این دولت نیز اساس امپراطوری اتریش و مجارستان را تهدید مینمود .

موافقت ضمنی که کنگره برلن راجع به تصرف تونس از طرف فرانسه نمود باعث ایجاد اختلاف بین این دولت و دولت ایتالیا میگردد صرف نظر از اینکه دولت انگلستان درباره قضایای مصر میل به تقویت فرانسه نداشت .

دولت ایتالیا که از کنگره برلن بهره مستقیمی نبرده بود شروع به تبلیغ برای بدست آوردن تمام نواحی که بنظر ایتالیائیها تحت تصرف اتریش بود مینمود و از این طریق اسباب مزاحمت اتریش را فراهم میآورد در افریقا هم نظر خود را متوجه متصرفات دولت عثمانی مینماید .

دولت آلمان که با سیاست بیسمارک تقریباً داور اروپا شده بود و حل و عقد تمام امور سیاسی اروپا از زیر نظر آن میگذشت باعث تحریک حس حسادت دول مختلف کشته و در نتیجه معلوم بود که دیر یا زود ائتلافهایی برای از بین بردن مقام او رخ خواهد داد .

بطوریکه ملاحظه میشود پیمان برلن ۱۸۷۸ بر روی هیچ اصلی اتکاء نداشت و دول مختلف جز حفظ منافع خود نظری ابراز نداشتند .

## فصل یازدهم

### مصر و انگلستان

دیسرائیلی - توسعه امپریالیسم انگلستان - مصر و حفرة ترعه سوئز  
خریداری سهام ترعه سوئز - تصفیه قروض مصر - استقرار نفوذ انگلستان - خلع  
اسماعیل پاشا - کابینه گلاڈیون - اقدامات ملیون - عربی پاشا - عدم مداخله  
فرانسه - زیاده روی عربی پاشا - کنفرانس قسطنطنیه - بمباران اسکندریه -  
اشغال مصر توسط انگلیسها - شورش درویشان در سودان - کنفرانس لندن  
سقوط خارطوم - کنفرانس پاریس - سقوط کابینه گلاڈستون - اتفاق انگلستان  
و عثمانی حمایت انگلستان بر مصر - ختم شورش سودان

در ماه ژانویه ۱۸۷۴ دیسرائیلی<sup>(۱)</sup> نخست وزیر انگلستان گردید - تغییر کابینه  
انگلستان در اساس سیاست خارجی انگلستان تأثیرات زیادی داشت و فعالیت امپریالیستی

(۱) Benjamin Disraeli, Lord Beaconsfield (۱۸۸۱-۱۸۰۴) سیاستمدار  
معروف انگلیسی اصلاً یهودی ولی بعد دین مسیح را قبول کرد - بزودی وارد روزنامه  
نویسی شده و چندین رمان نیز منتشر کرد - در سالهای ۱۸۳۲ و ۱۸۳۵ در انتخابات شرکت  
کرد ولی شکست خورد - در ۱۸۳۸ نمایندگی مجلس انتخاب شد و جزو دسته محافظه  
کاران گردید رفته رفته ریاست حزب محافظه کار را در دست گرفت - در ۱۸۵۲ وارد  
کابینه شد و در کابینه های بعدی هم که از محافظه کاران تشکیل میشد شرکت کرد - در  
۱۸۷۴ نخست وزیر انگلستان گردید و قوانینی برفع کارگران تصویب رسانید - در سیاست  
خارجی طرفدار توسعه امپراطوری انگلستان بود - در سال ۱۸۷۶ از طرف ملکه ویکتوریا  
لقب لردی دریافت کرد - تالیفات ادبی بسیاری از خود بیاد کار گذاشته است .

انگلستان بیش از پیش شدت پیدا کرد، دیسرائیلی که سردسته محافظه کاران بود برخلاف سلف خود گلادستون<sup>(۱)</sup> که بیشتر هم خود را صرف اصلاح امور داخلی انگلستان و مسئله ایرلند مینمود متوجه توسعه امپراطوری انگلستان گردید. و از همان وحله اول با توسعه نفوذ روسیه در دولت عثمانی شروع بمخالفت کرد. تنها دولتی که مخالف جدی باشرائط پیمان سان استفانو نمود دولت انگلستان بود و وقتی دیسرائیلی مشاهده کرد دولت عثمانی را نمیتواند نجات بدهد قبل از حضور در کنگره بران پیمان مخفی با دولت عثمانی منعقد ساخته با اشغال جزیره قبرس مراقبت مصر و آسیای صغیر را بدینوسیله برای انگلستان تأمین کرد در سال ۱۸۷۶ هم با دادن عنوان امپراطوری هندوستان بملکه انگلستان شهرت و عظمت انگلستان را بالا برد.

مسئله که در نیمه دوم قرن نوزدهم نظر انگلستان را بطرف خود جلب میکرد موضوع مصر بود. حفر ترعه سوئز نیز یکی از مشکلات سیاسی انگلستان شده بود در زمان ناپلئون اول انگلستان با تمام قوا بر ضد استقرار نفوذ فرانسه در مصر اقدام کرد، بعد از رانده شدن ناپلئون از مصر گرچه این کشور اسماً تحت تسلط عثمانی قرار داشت ولی عملاً مستقل بود. و بواسطه وجود عده زیادی فرانسوی سازمان اداری آن تحت نظر فرانسویها تشکیل شده و دولت فرانسه نفوذ زیادی در مصر پیدا کرد فرانسویانند و سپس<sup>(۲)</sup>

(۱) William Ewart, Gladstone (۱۸۰۹-۱۸۹۸) سیاستمدار معروف انگلیسی در بدو امر جزء محافظه کاران بود ولی آنها را ترک نموده وارد دستجات آزادی طلبان گردید و ریاست آنان را در دست گرفت - در ۱۸۵۲ بوزارت رسید نخست وزیر انگلستان از ۱۸۶۵ تا ۱۸۷۴ از ۱۸۸۰ تا ۱۸۸۵ - در ۱۸۸۶ از ۱۸۹۲ تا ۱۸۹۴ - گلادستون یکی از سیاستمداران مبرز انگلستان و سعی بسیاری برای حل مسئله ایرلند و اصلاحاتی در قوانین انتخاباتی نمود. در زمان صدارت او کلیسیا از دولت جدا شد و اصلاحات بسیار دیگری نمود مخالف جدی سیاست خارجی دیسرائیلی بود.

(۲) Ferdinand-Marie, Vicomte de Lesseps (۱۸۰۵-۱۸۹۴) سیاستمدار فرانسوی - بعد از طی خدمات سیاسی در ۱۸۴۹ منتظر خدمت شد - در ۱۸۵۴ امتیاز حفر ترعه سوئز را بدست آورده از سال ۱۸۵۵ شروع بکار کرد - بعد از رفع مشکلات گوناگون حفر ترعه را تمام کرد و در ۱۸۶۹ ترعه سوئز رسماً افتتاح شد - در ۱۸۸۴ بعضویت فرهنگستان فرانسه انتخاب شد - از سال ۱۸۷۹ سعی بسیاری برای حفر ترعه پاناما بکار برد ولی زحماتش در این قسمت به نتیجه نرسید.

### خریداری سهام ترعه سوئز

بابدست آوردن امتیاز حفر ترعه سوئز بتوسعه نفوذ فرانسه کمک زیادی کرده بود و چون دولت انگلستان میترسید با افتتاح این ترعه که در سال ۱۸۶۹ صورت گرفت منافع امپراطوری انگلستان بخطر افتد در بدو امر مخالفت بسیاری با آن نمود و کارشکنی‌های زیادی برای ترعه سوئز ایجاد کرد.

بعد از حفر ترعه سوئز دولت انگلستان در صدد میافتد بوسائل ممکنه از نفوذ فرانسه در مصر جلو گیری نموده و این شاه راه مهم را در اختیار خود در آورد. وضع مالی مصر بهترین وسیله را در دسترس سیاستمداران انگلیسی گذاشت زیرا در زمان اسماعیل پاشا خدیو مصر قروض این کشور بالغ بر سه میلیارد فرانک گردیده و محلی برای پرداخت اصل و فرع آنها باقی نمانده و تنها سرمایه که در اختیار خدیو مصر باقی ماند ۱۷۷۰۰۰ سهم از سهام ترعه سوئز بود که منافع بیست و پنج سال آنها هم بگرو گذاشته شده بود. در ۱۱ ژانویه ۱۸۷۴ دیس رائیلی بوسیله بارون دوروچیلد<sup>(۱)</sup> سعی کرد امتیاز ترعه سوئز را از فر دیناند دولیس خریداری کند ولی فر دیناند دولیس حاضر برای انجام معامله نگردید در سال ۱۸۷۵ خدیو مصر برای بدست آوردن وجه در صدد بر آمد سهام خود را در ترعه سوئز بفروش برساند و چون بانکداران فرانسوی روی خوشی با او نشان ندادند دیس رائیلی از موضوع مطلع گردیده از موقع استفاده نمود و بدون اینکه قضیه را با اطلاع وزیران و مجلس انگلستان برساند مبلغی از بارون دوروچیلد قرض و در ۲۵ نوامبر ۱۸۷۵ سهام ترعه سوئز خدیو مصر را برای دولت انگلستان خریداری نمود. بعد از ختم معامله دیس رائیلی قضیه را با اطلاع وزیر مالیه انگلستان رسانید. ملت انگلستان از شاهکار نخست وزیر خود غرق شغف و شادی گردید در صورتیکه دولت روسیه و دولت فرانسه از تأسف خود داری نمیتوانستند بکنند و چون دستشان بجائی بند نبود عمل انگلستان را نیک آور قلمداد نمودند. بانکداران اروپائی نیز زیاد از این قضیه دلگیر نبودند

---

(۱) Baron de Rotchild خانواده روچیلد یهودی بوده و اصلا اهل فرانکفورت در آلمان بودند از قرن ۱۹ با اینطرف اعضای این خانواده در پادشخت‌های اروپا از بانکداران مهم و بانفوذ در امور مالی بودند.

## تصفیه قروض مصر - استقرار نفوذ انگلستان

زیرا نفوذ انگلستان را در مصر ضامن وصول طلب خود میدانستند .

باتکاء ملت انگلستان و بانکداران اروپا دیسرایلی در اوائل سال ۱۸۷۶ نمایندگانی بمصر فرستاد تا فهرستی از قروض این کشور تهیه شده و با تنظیم بودجه مصر نصایحی به خدیو مصر بدهند . دولت فرانسه نیز از ترس مداخله انگلستان فوراً نماینده بمصر اعزام نمود تا قروض مصر بوسیله کمیسیون بین المللی تثبیت شده و بدون اینکه مالیه کشور مصر تحت نظارت قرار گیرد در پرداخت منافع قروض این دولت مراقبت بعمل آید . در نتیجه خدیو مصر با پیشنهاد فرانسه موافقت نمود و در ۱۸ نوامبر ۱۸۷۶ پیمانی منعقد گردید که بموجب آن اداره مالی مصر بدست دو بازرس یکی فرانسوی و دیگری انگلیسی سپرده شد .

اسماعیل پاشا که با فروش سهام خود در ترعه سوئزو گرفتن قرضه های دیگری از انگلستان کاملاً تحت نفوذ این دولت در آمده بود بتحریک انگلستان سعی میکرد بازرس فرانسوی را بکلی از کاربر کنار کند و بدینجهت کمیسرا انگلیسی بوزارت مالیه مصر منصوب شد . در موقع انعقاد کنگره برلن و ادینگتون وزیر خارجه فرانسه که امیدوار بود بدون دخالت دول اروپا بهتر بتواند قضیه مصر را با انگلستان حل کند شرط حضور فرانسه را در کنگره موکول باین امر نمود که مسئله مصر در کنگره برلن مطرح نشود . انگلیسها هم که این موضوع را موافق با منافع خود میدیدند فوراً قبول کردند .

اقدامات انگلستان در مصر کم کم باعث زحمت خدیو مصر میگرددید . خدیو مصر برای خلاصی از نفوذ انگلستان بیچارگی رعایای خود را بهانه کرده سعی نمود از پرداخت قروض مصر استنکاف کند . در نتیجه تحریک احساسات مصریان و اغتشاشاتی که در این کشور روی داد اسماعیل پاشا اعلام نمود مجبور است وزرای خارجی را از مصر بیرون نموده و اداره مصر را بدست مصریها بسپارد برای بدست آوردن مساعدت فرانسه نیز اعلام داشت در نظر دارد دو مرتبه اختیارات دو بازرس قدیمی را برقرار سازد دولت فرانسه که مایل نبود در اینموقع اختلافی با انگلستان پیدا کند خدیو مصر را از

## خلع اسماعیل پاشا - کابینه گلاستون

این کارسرزنش کرد بیسمارک نیز اعلام نمود بهیچوجه اجاره نخواهد داد به حقوق اتباع آلمان و اثریش خلملی وارد آید .

چون بیسمارک هایل بود موازنه که در نتیجه کنگره بران در اروپا برقرار شد بود حفظ شود بتحریک اودریک ۲۵ ژوئن ۱۸۷۹ سلطان عثمانی بموجب فرمانی اسماعیل پاشا را از خدیوی مصر خلع نموده و طبق تمایل انگلستان پسرش توفیق پاشا که بیشتر تحت نفوذ انگلستان بود خدیو مصر شد . ولی دولت عثمانی درصدد برآمد از موقع استفاده نموده را اختیارات خود را در مصر توسعه داده این کشور را دومرتبه بصورت ولایتی درآورد .

تهدید مداخله عثمانی در امور مصر در موقعی اتفاق افتاد که سیاست استعماری انگلستان در چندین نقطه دیگر دچار شکست شده بود مثلاً در افغانستان که بعد از زحمات بسیار و جنگ سختی امیر شیر علی بموجب معاهده گندمک در مه ۱۸۷۹ حمایت انگلستان را قبول کرده بود بمحض ورود نماینده انگلستان بکابل قتل عامی از انگلیسها در این شهر رخ داد .

در آفریقای جنوبی نیز پادشاه زولوها<sup>(۱)</sup> سهستون از ارتش اعزامی انگلستان را بقتل رسانیده بود .

عکس العمل این قضایا در انگلستان باعث سقوط کابینه دیسرایلی و برقراری مجدد کابینه گلاستون گردید . اولین اقدام کابینه جدید انگلستان متوجه مصر گردید دولت مصر جداً بر مداخله سلطان عثمانی در امور مصر اعتراض نمود و سلطان عثمانی مجبور شد بموجب فرمانی در ۷ اوت ۱۸۷۹ اختیار خدیو مصر را برسمیت بشناسد فقط خدیو مصر موافقت نمود در آنیه تمام تصمیماتی را که مربوط بواگذاری اراضی یا اختیاراتی که از طرف سلطان عثمانی باو اعطا شده است یا میشود با اطلاع سلطان برساند و علاوه بر آن مجبور گردید مشاورین انگلیسی و فرانسوی را دومرتبه در حکومت خود برقرار سازد . بر طبق پیشنهاد دولت فرانسه نیز در ۱۷ ژوئن ۱۸۸۰ خدیو مصر

(۱) zoulous

### اقدامات ملیون - عربی پاشا

قبول کرد تصفیه قروض مصر بیک کمیسیون بین المللی واگذار شود تا میزان این قروض معلوم گردیده و برای تمام آنها بهره از قرار ۴ درصد در سال تعیین شود .

دولت مصر گرچه با مداخله زیاد اروپائیان در امور مصر مخالفت داشت از روی ناچاری از تصفیه قروض مصر خوشحال بود ولی دولت انگلستان با وجود آنکه با صدارت گلادستون خود را طرفدار اصل حاکمیت ملل نشان میداد سعی میکرد بیبانه‌های مختلف روز بروز نفوذ انگلستان را در مصر توسعه دهد ژنرال قونسول انگلستان در مصر مالت<sup>(۱)</sup> از سختگیری‌های حکومت ریاض پاشا در مصر استفاده نموده خود را حامی فلاحان قلمداد نمود و به رؤسای ملیون تلقین کرد که اروپائیان برای تصفیه قروض مصر منافع مستخدمین ادارات و مالیات دهندگان مصری را فدای وصول طلب خود میکنند . رؤسای ملیون بتحریر قونسول انگلستان مالت بایکی از افسران ارتش موسوم به عربی پاشا<sup>(۲)</sup> وارد مذاکره شده و در ماه فوریه ۱۸۸۱ از خدیو مصر عزل وزیر جنگ مصر را که اقدامات آنها را خنثی مینمود درخواست کردند خدیو مصر هم باصرار مالت وزیر جنگ را خلع نمود و یکی از حامیان عربی پاشا وزیر جنگ و خود عربی پاشا بریاست کمیسیونی مأمور اصلاحات ارتش گردید در تابستان سال ۱۸۸۱ ملیون مصر بتحریر انگلستان عزل خود ریاض پاشا را درخواست کردند اما خدیو مصر حق را بجانب ریاض پاشا داد . و وزیر جنگ مصر را معزول نمود ارتش مصر بتحریر عربی پاشا عزل وزیر جنگ را بانه قرارداد شروع بشورش کرد و با تهدید

---

(۱) Sir Edward Brldwin Malet (۱۸۳۷-۱۹۰۸) سیاستمدار انگلیسی . بعد از طی خدمات سیاسی و عهدمدار بودن نمایندگی سیاسی انگلستان در عثمانی و مصر و بلژیک در ۱۸۸۴ سفیر کبیر انگلستان در برلن گردید .

(۲) احمد عربی الحسینی عربی پاشا (۱۸۳۹-۱۹۱۱) سردار مصری - یکی از سران ملیون مصر طرفدار اخراج خارجیان از مصر - در ۱۸۸۲ وزیر جنگ مصر شد و سعی کرد دیکتاتور خود را در مصر برقرار سازد - بعد از شکست از ارتش انگلستان محکوم باعدام شد ولی بواسطت انگلستان مجازات او تخفیف یافت و به سیلان تبعید گردید - در سال ۱۹۰۴ توانست دو مرتبه به مصر مراجعت کند .



خدیدو مصر عزل ریاض پاشا و تأسیس مجلس ملی برای تصویب لوایح مالی و لغای اختیارات مفتشین مالی را که بیشتر مورد نظر انگلستان بود تقاضا نمودند، خدیو مصر هم مجبور گردید در سپتامبر ۱۸۸۱ ریاض پاشا را از وزارت معزول نموده و مجلس ملی برای مصر دعوت کند،

دولت انگلستان برای ممانعت از مخالفت فرانسه در اقداماتی نمود تا قونسول این دولت در مصر که موافق با اقدامات مالت نبود عوض شود و چون کابینه فرانسه در این موقع قصد داشت در تونس مشغول اقداماتی شود مخالفت با انگلستان را جایز ندانسته و در نتیجه در مصر حکومت ظاهر آملی که کاملاً تحت نفوذ انگلستان بود برقرار شد. بیسمارک که کاملاً مراقب قضایای مصر بود در نزد دولت عثمانی اقداماتی بعمل آورد تا سلطان عثمانی برای حفظ حقوق خود به کابینه مصر اعتراض کند اما دولت فرانسه که بانقشه انگلستان موافقت ضمنی کرده بود مخالفت خود را با اقدام سلطان عثمانی صریحاً ابراز نمود.

دولت انگلستان نیز برای جلوگیری از اقدامات احتمالی عثمانی دو ناوشکن به بندر اسکندریه فرستاد و باین ترتیب دولت انگلستان توانست بوسیله اتفاق با فرانسه از مداخله عثمانی و بوسیله ملیون مصر از مداخله فرانسه در امور مصر جلوگیری کند. در ۱۴ نوامبر ۱۸۸۱ گامبتا وزیر خارجه فرانسه گردید. کابینه جدید فرانسه که مایل نبود دست انگلستان را کاملاً در مصر باز گذارد در ۲۵ دسامبر ۱۸۸۱ بدولت انگلستان پیشنهاد نمود وسائل تقویت خدیو مصر را فراهم کرده و این کشور را از هرج و مرج خلاصی بخشد و وزیر خارجه جدید انگلستان لرد گرانویل<sup>(۱)</sup> که نمیتوانست علناً پیشنهاد فرانسه را رد کند با ارسال یادداشتی در ۷ ژانویه ۱۸۸۲ بر روی این اصول ناچار موافقت نمود اما معلوم بود که موافقت انگلستان با پیشنهاد فرانسه فقط برای

(۱) Georges Loveson-Gower lord-Granville (۱۸۱۵-۱۸۹۱) سیاستمدار

انگلیسی در ۱۸۳۷ نماینده کی مجلس انتخاب شد - جزء احزاب آزادی خواه بود - چندین مرتبه وزیر و وزیر خارجه انگلستان شد.

حفظ صورت ظاهر است اقدامات مالت در نزد خدیو مصر نیز مؤید این قضیه بود در ۲۶ ژانویه ۱۸۸۲ کابینه فرانسه سقوط نموده و دولت انگلستان از مقاومت کامبتا در مورد سیاست او در مصر آزاد گردید. در همان روز در نتیجه اقدامات عربی پاشا که از ۴ ژانویه ۱۸۸۲ معاون وزارت جنگ گردیده بود ارتش مصر خود را در اختیار ملیون گذاشته و کابینه مصر مجبور با استعفا گردید. قانون اساسی نیز در ۷ فوریه تصویب گردید که مجلس ملی مرکب از ۱۵۰ نفر برای اداره امور کشور تعیین مینمود وزیران مصر نیز در مقابل مجلس مسئول شناخته شده و در نتیجه نظارت فرانسه و انگلیس در امور مصر از بین میرفت.

با این ترتیب دولت انگلستان در نظر داشت از طاعت عربی پاشا که وزیر جنگ شده بود و انگلیسها در نظر داشتند او را دیکتاتور مصر بنمایند استفاده کرده و این کشور را کاملاً تحت نفوذ خود قرار دهند. وزیر خارجه جدید فرانسه فریسنه<sup>(۱)</sup> نیز در مقابل اقدامات انگلستان اعتراض نمود مأمورین فرانسوی هم در مصر بدستور دولت فرانسه سکوت اختیار کردند و حتی دولت فرانسه حاضر شد قانون اساسی مصر توسط دول اروپا ضمانت شود تاراه مداخله دولت عثمانی در مصر مسدود گردد.

عربی پاشا که در این موقع سر مست ارتقاء خود شده بود بدون جلب نظر انگلستان سعی نمود دیکتاتور خود را بر مصر تحمیل کند در دهم آوریل بیهانده اینکه سوء قصد هائی بر علیه او شده است خدیو مصر را مجبور به تشکیل يك داد گاه نظامی نمود. این داد گاه نیز بدستور عربی پاشا بیش از ۴۰ حکم محکومیت مخالفین عربی پاشا را صادر نموده. مالت که در این موقع وزیر مختار انگلستان در مصر شده بود چون عربی پاشا کاملاً مطیع خود نمیدید خدیو مصر را تشویق بمقاومت در مقابل عملیات عربی پاشا

(۱) Charles-Louis de Saules de Freycinet (۱۸۲۳ - ۱۸۲۸) مهندس و سیاستمدار فرانسوی - از ۱۸۷۰ تا ۱۹۲۰ سمت سناتور انتخاب شد - چندین مرتبه وزیر وزارت خانه های مختلف وزیر خارجه و نخست وزیر فرانسه شد - در ۱۸۹۰ عضویت فرهنگستان فرانسه انتخاب شد - تألیفات علمی و ادبی بسیاری از خود بیادگار گذاشته است

## کنفرانس قسطنطنیه

نمود و در نتیجه در ۱۸۸۲م ۱۰ خدیو مصر حکم داد گاه را باطل کرد. در یازدهم مه وزیرای مصر به عمل خدیو اعتراض کرده و از او جداً درخواست کردند در مقابل پارلمان مصر حاضر شده و توضیح دهد تا با وارد کردن ایراداتی بر او دیکتاتور عربی پاشا را مسجل سازند.

دولت فرانسه برای حل قضیه پیشنهاد کرد سلطان عثمانی خدیو مصر را خلع نموده و پسرش حلیم پاشا را بجای او معین کند دولت انگلستان که توفیق پاشا را موافق منافع خود میدید با پیشنهاد فرانسه موافقت ننمود و با اتفاق دولت فرانسه تصمیم گرفته شد دوازده کشتی جنگی فرانسه برای تهدید عربی پاشا به آبهای مصر فرستاده شود چون شرط اعزام این کشتیها این بود که سر بازان بخاک مصر پیاده نشوند این تهدید در عربی پاشا تأثیری ننمود و در مقابل تقاضای استعفای کابینه از طرف خدیو مصر عربی پاشا اتمام حجتی بعنوان مصر خدیو مصر صادر کرده و از مجلس ملی مصر خلع خدیو را تقاضا کرد. رئیس مجلس مصر بتحریر يك انگلستان خواست بین خدیو مصر و عربی پاشا میانجیگری نماید اما عربی پاشا شرط سازش خود را تسلیم خدیو به پیشنهادهای خود قرارداد. در نتیجه دولت انگلستان علناً مخالفت خود را با عربی پاشا اعلام و بدولت فرانسه اطلاع داد که آزادی عمل خود را محفوظ میدارد.

برای حل قضیه در ۷ ژوئن دولت عثمانی مأموری بمصر فرستاد تا بین خدیو مصر و عربی پاشا داورى نماید. عربی پاشا برای اینکه قضیه را زودتر بنفع خود تمام کند شورشى در اسکندریه بر ضد اروپائیان برپا نمود و دول اروپا مجبور گردیدند اعلام کنند اگر سلطان عثمانی غائله مصر را رفع نکند متوسل با اقدامات جدی خواهند گردید. دولت فرانسه برای جلوگیری از اقدام دولت عثمانی پیشنهاد تشکیل کنفرانسی را در قسطنطنیه نمود. دولت عثمانی که مایل بمداخله در امور مصر بود از حضور در کنفرانس تعلق کرد تا اینکه در ۲۳ ژوئن بدون حضور نماینده دولت عثمانی کنفرانس در قسطنطنیه تشکیل گردید. در کنفرانس اصولاً موافقت شد سلطان عثمانی فقط برای سه ماه جهت استقرار نظم در امور مصر مداخله کند.

## بمباران اسکندریه - اشغال مصر توسط انگلیسها

دولت انگلستان نیز تقبل نمود جز در موقع بروز قوه مجریه جداگانه در مصر اقدامی بعمل نیاورد. اما دولت انگلستان باین بهانه که تقویت دفاع ساحلی مصر که بدستور عربی پاشا انجام میگرفت قوه مجریه است به ناوگان خود امر داد تجهیزات دفاعی اسکندریه را بمباران کنند و در ۱۱ ژوئیه در مقابل بمباران اسکندریه مصریها هم محله اروپائیان را در این شهر مورد غارت و چپاول قرار دادند.

در ۱۵ ژوئیه ۱۸۸۲ ببهانه حفظ ترعه سوئز و متوقف نمودن قتل و غارت اروپائیان ارتش انگلستان در مصر پیاده شد دولت انگلستان برای حفظ ظاهر از دولت فرانسه و دولت ایتالیا نیز دعوت نمود در این عمل شرکت کنند دولت فرانسه که از اقدامات آلمان هراسان بود انتظار داشت قبل از اقدام عمل مداخله در مصر بتصویب دول اروپا برسد و وقتی هم که مصمم به مداخله در امور مصر گردید بواسطه سقوط کابینه فرانسه در ۲۹ ژوئیه از ارسال نفرات بمصر خودداری نمود.

اقدامات انگلستان در مصر چون بیشتر جنبه اداره مالیه و حفظ حقوق طلبکاران مصر را بخود گرفته بود در همه جا مورد قبول عامه واقع گردید مخصوصاً محافل مالی و بانکی که دخالت انگلستان را در مصر بهترین وثیقه برای بدست آوردن طلب خود میدانستند بعد از شکست مصریها انگلستان حمایت کامل خود را بر مصر تحمیل و تمام ادارات و ارتش مصر بدست انگلیسها سپرده شد ولی برای رفع اعتراضات فرانسه کابینه انگلستان که در ظاهر خود را حامی ملل قلمداد مینمود بوسیله لرد گرانویل در ۳ ژانویه ۱۸۸۳ اعلام نمود که روزی که مصر عناصر لازم را برای استقرار امنیت و ترقی پیدا کند دولت انگلستان مصر را تخلیه خواهد نمود ولی شورش سودان بهانه‌های جدیدی بدست انگلستان برای رعایت نمودن قول خود داد.

از سال ۱۸۱۹ محمد علی پاشا و بعد از او اسماعیل پاشا حدود مصر را توسعه داده و حکومت سودان را ضمیمه این کشور نموده نادر بای قزمز پیش رفتند. بعد از برقراری

## شورش درویشان در سودان

ژنرال گوردون<sup>(۱)</sup> به حکومت این ناحیه هارار<sup>(۲)</sup> و دارفور<sup>(۳)</sup> نیز ضمیمه سودان گردید و بر ضد تجار برده فروش مشغول اقدامات شدند. در سال ۱۸۷۹ ژنرال گوردون حکومت سودان را ترک کرد و حکومت این ناحیه بدست عمال ترکی و مصری افتاد. ظلم و جور این حکام سبب گردید که اهالی سودان در ماه مه ۱۸۸۱ تحت لوای درویشی موسوم بمحمد احمد که خود رامهدی می نامید شورش کنند و تا آخر سال ۱۸۸۲ دامنه این شورش بقدری وسعت پیدا کرد که قسمت اعظم سودان بدست آنها افتاد. کوششهای انگلستان در سال ۱۸۸۳ برای از بین بردن شورش مهدی بجائی نرسید و ارتش مصری که بسر کردگی افسران انگلیسی برای سرکوبی شورشیان فرستاده شده بودند معدوم گردیدند. در زمستان سال ۱۸۸۴ یک ارتش دیگری که انگلیسها بسودان فرستاده بودند نیز دچار سرنوشت اولی گردید و شهر خارطوم پایتخت سودان مورد تهدید قرار گرفت.

در بهار سال ۱۸۸۴ انگلستان در نظر گرفت از سودان صرف نظر کرده و تمام هم خود را صرف حفظ مواضع کنار دریای قرمز کند ولی چون در خارطوم عده زیادی مسیحی و اروپائی وجود داشتند از اطراف فشار زیادی برای کمک بآنها وارد آمد. چون انگلیسها راضی بدیناری خرج در سودان نبودند مالیه مصر نیز دیگر توانائی تحمل مخارج لشکر کشی را نداشت لذا انگلیسها ژنرال گوردون را مأمور تخلیه خارطوم نموده و در ۱۹ آوریل ۱۸۸۴ دول اروپا را دعوت بششکیل کنفرانسی برای

---

(۱) Charles-Georges Gordon Pacha (۱۸۲۳-۱۸۸۵) سردار انگلیسی. در

جنگهای کریمه و چین شرکت کرد. بعد از ۱۸۶۰ بخدمت دولت چین وارد شد. فرماندهی ارتشی که شورش تائی پینک را خوابانید بمعهده گرفت. در ۱۸۷۳ بخدمت مصر وارد و در ۱۸۷۴ حاکم سودان گردید. در ۱۸۷۹ از حکومت سودان استعفا داد. بعد از چند مسافرت در سال ۱۸۸۴ مأمور برقراری امنیت در سودان شد. در ژانویه ۱۸۸۵ در خارطوم محصور و بعد از تسلیم شهر بشورشیان مقتول گردید.

Harrar (۲)

Darfour (۳)

## کنفرانس لندن - سقوط خارطوم

تصفیه قروض مصر نمودند تا بلکه بتوانند قرض دهندگان جدیدی برای دولت مصر پیدا کنند دولت فرانسه موقع را غنیمت شمرده و حضور خود را در کنفرانس مشروط بر این نمود که دولت انگلستان قبلاً تاریخ تخلیه مصر را اعلام نماید. لرد کرانویل در ۱۷ ژوئن ۱۸۸۴ رسماً اعلام نمود که ارتش انگلیس در اوائل سال ۱۸۸۸ مصر را تخلیه خواهد کرد در خود کنفرانس هم که در ۲۸ ژوئن ۱۸۸۴ در لندن تشکیل شد دولت آلمان که درباره قضایای مستعمراتی با انگلستان تماس پیدا کرده بود با فرانسه موافقت کرد و بطرز حمایت انگلستان ایراد گرفته و با صرف نظر کردن از قسمتی از منافع قروض دولت مصر که برای بدست آوردن قرضه جدید لازم بود مخالفت کردند دولت انگلستان که از تشکیل کنفرانس نتیجه نگرفت بکنفرانس خاتمه داد و سعی نمود بلکه بتواند بوسیله کابینه مصر بمقصد خود برسد.

در خلال این احوال ژنرال گوردون که در ۱۸ فوریه ۱۸۸۴ به خارطوم رسیده بود در مقابل مشکلات تخلیه این شهر تقاضای کمک نمود. در بدو امر دولت انگلستان خواست از زیر بار مسئولیت شانه خالی کند ولی بالاخره در ماه اوت مجبور بتقاضای اعتباری برای کمک به گوردون گردید ضمناً برای اینکه از مخارج زیاد در سودان پرهیز کند سعی نمود قضیه قروض مصر را جنبه بین المللی بدهد و در نتیجه مذاکراتی که از ۲ تا ۲۳ ژانویه ۱۸۸۵ بین فرانسه و انگلستان در جریان بود پیشنهاد دولت فرانسه مبنی بر نظارت شش دولت اروپا در تصفیه قروض مصر در ۲۵ ژانویه مورد قبول انگلستان واقع شد.

در ۲۶ ژانویه ژنرال گوردون در خارطوم بقتل رسید و چون دیگر تأخیر جایز نبود بر اساس پیشنهاد فرانسه پیمان لندن در ۱۸ مارس ۱۸۸۵ برای تصفیه قروض مصر بامضاء رسید این پیمان مانند قرار تصفیه قروض مصر در سال ۱۸۸۰ نظارت دول اروپا را بر تصفیه قروض مصر برقرار میساخت دولت انگلستان نیز مقام اولویت خود را در مصر حفظ نموده و هیچگونه تعهدی هم برای تخلیه مصر نمیکرد فقط دولت انگلستان

## کنفرانس پاریس - سقوط کابینه گلاستون

مجبور شد در ۱۷ مارس رسماً اعلام کند که آزادی ترعه سوئز را همواره رعایت خواهد کرد برای تعیین رژیم ترعه سوئز ۳۰ مارس کنفرانسی در پاریس منعقد شد دولت انگلستان در این کنفرانس پیشنهاد نمود برقراری نظم ترعه سوئز با اختیار دولت مصر گذاشته شود بشرط آنکه بنادر ورودی آن در دست دولت انگلستان باقی بماند در مقابل این پیشنهاد که کاملاً بنفع انگلستان بود دولت فرانسه بمعیت دولت اتریش و آلمان و روسیه پیشنهاد کرد مانند رود دانوب کمیسیون بین المللی عهده دار اداره ترعه سوئز گردد ولی انگلستان بهانه اینکه برقراری کمیسیون بین المللی به اختیارات خدیو مصر اطمینان میآورد باین پیشنهاد مخالفت کرد بیسمارک که در این موقع بی میل نبود از اختلاف انداختن بین فرانسه و انگلستان استفاده کند دولت فرانسه را در مقابل انگلستان تشویق بپایداری نمود و چون دولت فرانسه از صداقت بیسمارک مشکوک بود در مقابل انگلستان زیاد یافشاری نکرد و در نتیجه خدیو مصر مسئول نگاهداری و حفظ بیطرفی ترعه سوئز شناخته و قرار شد نمایندگان مأمور کانال سوئز شوند تا اگر اقدامی برخلاف آزادی ترعه سوئز مشاهده کنند مراتب را بدولت متبوع خود اطلاع دهند. کنفرانس هم در ۱۳ ژوئن متفرق گردیده و انگلستان از نرس نظارت بین المللی در ترعه سوئز خلاصی یافت.

دراثر لطماتی که از هر طرف سیاست انگلستان وارد میآمد زیر ادر سودان ارتش انگلیسی و مصری در مقابل فشار درویشان مجبور به تخلیه خارطوم و سواکیم<sup>(۱)</sup> در کنار دریای قرمز شده و در اقیانوس کبیر نیز انگلستان مجبور شده بود شرایط آلمان را قبول کند در ماه ژوئن ۱۸۸۵ گلاستون مجبور با استعفا گردیده و کابینه سالیسبوری جانشین آن گردید سالیسبوری که سر دسته حزب محافظه کار و از پیروان سیاست دیسرایلی بود کنار آمدن با بیسمارک را اساس و پایه سیاست خود قرار داد و سعی نمود اختلافات بین انگلستان و روسیه را نیز از بین ببرد سالیسبوری برای خوش آمد بیسمارک

## اتفاق انگلستان و عثمانی-حمایت انگلستان بر مصر

بدولت عثمانی نزدیک شده و سیر دروموندولف<sup>(۱)</sup> را بسمت سفیر کبیر با اختیارات مطلق روانه قسطنطنیه نمود در ۲۴ اکتبر ۱۸۸۵ در نتیجه مذاکرات سیر دروموندولف بین دولت انگلستان و عثمانی پیمانی منعقد گردید که بموجب آن در ژانویه ۱۸۸۶ دو نماینده یکی انگلیسی که خود سفیر کبیر انگلستان بود و دیگری ترك مأموریت یافتند برای بررسی اوضاع اداری مصر و تجهیز ارتشی از مصریها و ترکیها بمصر رفته واقدماتی برای خوابانیدن شورش سودان بنمایند. با کمک دولت آلمان نیز دولت انگلستان توانست در اروپا قرضه دیگری برای مصر تهیه نموده و اوضاع این کشور را مرتب کند.

گرچه در موقع انتخابات گلاستون توانست دومی رتبه اکثریت مجلس را بدست بیاورد ولی وزیر خارجه او همان سیاست سالیسبوری را تعقیب نمود و همتوزشش ماه از تاریخ انتخابات گذشته بود که سالیسبوری دومی رتبه روی کار آمد و در نوامبر ۱۸۸۶ انگلستان قول خود را درباره تخلیه مصر پس گرفت. سیر دروموندولف نیز سعی مینمود ارتش مصری و ترکی که در شرف تشکیل بود دارای افسران انگلیسی باشند. در ماه مارس ۱۸۸۷ در نتیجه فشار سلطان عثمانی دولت انگلستان مجبور شد دومی رتبه وعده دهد که در ظرف سه سال مصر را تخلیه بنماید ولی دولت انگلستان در عین حال در صورت اقتضای موقعیت حق اشغال مجدد مصر را برای خود محفوظ میداشت.

در نتیجه مساعدت بیسمارک و نفوذ او در دربار عثمانی بالاخره در ۲۲ مه ۱۸۷۷ در قسطنطنیه پیمانی بسته شد که بموجب آن حفظ بیطرفی ترعه سوئز تا آنجائیکه منافاتی با اشغال مصر توسط انگلیسها نداشته باشد به خدیو مصر و سلطان عثمانی محول گردید و باین ترتیب در تحت نام سلطان عثمانی دولت انگلستان مصر و ترعه سوئز را در تحت نظارت و حمایت خود در آورد. برای دفع شورش سودان نیز دولت

---

(۱) Henry Drummond-Wolf (۱۹۰۹-۱۸۲۰) سیاستمدار انگلیسی - در ۱۸۴۶

وارد خدمت سیاسی شد وزیر مختار انگلستان در قسطنطنیه - تهران - بخارست - مادرید



## ختم شورش سودان

انگلستان لرد کینچنر<sup>(۱)</sup> را مأمور قلع و قمع درویشان نمود و بعد از ده سال جنگ بالاخره تمام دره نیل تحت نفوذ انگلستان قرار گرفت .

---

(۱) Lord Horatio-Herbert, Kitchener (۱۸۵۰-۱۹۱۶) سردار انگلیسی

در ۱۸۸۱ وارد ارتش مصر شده و سمی در اصلاح آن نمود - در ۱۸۹۱ شورش درویشان را خاموش کرد - در ۱۸۹۹ رئیس ستاد ارتش اعزامی برای سرکوبی بوئرها شد - در ۱۹۰۰ فرمانده این ارتش شد - در ۱۹۰۲ فرمانده ارتش هندوستان گردید - نماینده مقیم انگلستان در مصر در ۱۹۰۵ - در شروع جنگ بین الملل اول وزیر جنگ انگلستان - در ۱۹۱۶ در موقع عزیمت بروسیه کشتی او به مین اصابت نموده و غرق شد